

گفت وگو با سیده ثریا مجتهد سیستانی، نقاش مشه‌دی که از نقش نور و سایه در نقاشی و اهمیت آموزش آن می‌گوید

رازهای نور و سایه در بوم نقاشی

نقاش و پژوهشگر هنر، در مسیر فعالیت های خود بر اهمیت این عنصر حیاتی تأکید ویژه‌ای دارد و معتقد است برای آغاز سفر هنری، هیچ چیز مهم‌تر از یادگیری نحوه نگاه کردن به این پدیده ها نیست. این دغدغه درباره آموزش هنر دیدن بود که باعث شد مجتهد سیستانی کتاب «رازهای نور و سایه در هنر، راهنمای نوجوانان خلاق» را تألیف کند. او که متولد سال ۱۳۷۴ است و مسیر نقاشی را به شکلی پیوسته و گام به‌گام طی کرده، از همان دوران هنرستان وارد رشته نقاشی شد و در‌سش را تا مقطع کارشناسی

طین همتی| نقاشی تنهاثبت فرم‌ها بر بوم نیست؛ نقاشی بیش از هر چیز «هنر دیدن» است. دنیای اطراف ما پیش از آنکه با خط و رنگ توصیف شود، با نور و سایه شکل می‌گیرد. نوری که از پنجره بر اشیاء می‌تابد، سایه‌ای که روی دیوار می‌افتد و تضاد میان تاریکی و روشنایی، همان چیزی است که به جهان عمق و معنا می‌بخشد. برای یک هنرمند، نور فقط وسیله‌ای برای دیدن نیست، بلکه خود نقاشی است. سیده ثریا مجتهد سیستانی،



● کتابی برای آموزش خوب دیدن مجتهد سیستانی که همواره به دنبال ساده سازی مفاهیم پیچیده برای مخاطبان جوان است درباره دغدغه خود در کتاب تازه تألیفش می‌گوید: خیلی وقت‌ها نوجوانان می‌خواهند نقاشی را شروع کنند، اما با کتاب‌ها یا کلاس‌هایی روبه‌رو می‌شوند که پر از واژه‌های ثقیل و دستورالعمل‌های سخت است. این باعث می‌شود آن‌ها خیلی زود دلسرد شوند. من سعی کردم در این کتاب، نور و سایه را از آن فضای خشک آکادمیک خارج کنم و با مثال‌هایی می‌شود آن‌ها خیلی زود دلسرد شوند. من سعی کردم در این کتاب، نور و سایه را از آن فضای خشک آکادمیک خارج کنم و با مثال‌هایی از زندگی روزمره درباره شان حرف بزنم. در این کتاب، تلاش شده تا نوجوان به جای حفظ کردن قواعد پرسپکتیو یا ترکیب بندی، یاد بگیرد با دقت بیشتری به پیرامونش خیره شود. به نوجوان پیشنهاد می‌دهم با چیزهای ساده شروع کند. مثلاً یک لیوان یا یک گلدان را در ساعت‌های مختلف روز زیر نور پنجره بگذارد. وقتی نور تغییر می‌کند، سایه‌ها هم تغییر می‌کنند. اگر نور از روبه‌رو بتابد، شکل سایه عوض می‌شود؛ اگر از کنار بتابد، عمق تازه‌ای به شیء می‌دهد. این کتاب سعی دارد این تغییرات ساده اما شگفت‌انگیز را به تجربه‌ای لذت‌بخش برای هنرجو تبدیل کند.

● کشف زیبایی‌د زندگی روزمره

این نویسنده مشه‌دی بار دیگر به این نکته بازمی‌گردد: هنر بیش از هرچیز، به معنای توجه کردن است. برای شروع نقاشی نیاز نیست حتماً بهترین وسایل را داشته باشیم یا از همان ابتدا کارهای بزرگ انجام دهیم. اگر بتوانیم به یک شیء ساده، به سایه یک گلدان، به تضاد بین نور و تاریکی در کنج اتاق دقت کنیم، اولین قدم بزرگ را برداشته‌ایم.

به گفته او، نقاشی و کتابی که در این زمینه نوشته است، هر دو بر یک پایه استوارند: دعوت به دیدن ولدت بردن از کشف زیبایی‌های پنهان در زندگی روزمره. هنرجو باید یاد بگیرد که به جای تکرار کردن الگوهای آماده، خودش جهان را از دریچه چشم‌های خودش ببیند. اما در سش، پرسشگری و شجاعت تجربه کردن راه‌های تازه،

ارش‌د در دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد. اما او در تمام این دوران، یادگیری را فقط به کلاس‌های دانشگاه خلاصه نکرد. او بیرون از محیط دانشگاه هم مدام در حال سرک کشیدن به جاهای مختلف بود. از حضور در کارگاه‌های مدرن گرفته تا رفتن به مکتب هنر رضوان که فضایی کاملاً سنتی داشت و دوترم در آنجابه یادگیری هنر کلاسیک و سنتی پرداخت. همین رفت‌وآمد میان فضاهای مختلف و پرهیز از تعصب باعث‌شده تا آثار امروزی او زبانی کاملاً ترکیبی و آزاد پیدا کنند.

یک تمرین معمولی متمایز می‌کند، خلاقیت و جست‌وجگری هنرمند است. او خلاقیت را فراتر از مهارت فنی می‌بیند. خلاقیت یعنی ترسیدن از سؤال کردن است. مثلاً وقتی روی بوم کار می‌کنیم، از خودمان پرسیم: آیا حتماً باید از قلم مو استفاده کنم؟ اگر از تکه‌های روزنامه یا پارچه برای ایجاد بافت استفاده کنم چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر از نخ برای کوک زدن روی بوم استفاده کنم، اثر چه حسی پیدا می‌کند؟ از نظر او، هنرمند باید در زندگی روزمره جست‌وجگر باشد؛ از بافت دیوار گرفته تا شکل چروک‌های لباس. همه این‌ها می‌توانند منبع الهام باشند. هنرجو نباید فقط به دنبال یادگیری تکنیک باشد، بلکه باید بیاموزد که چگونه از ابزارهای مختلف برای بیان احساسات شخصی‌اش استفاده کند. مجتهد سیستانی درباره روش آموزش به نوجوانان معتقد است: باید رویکردی غیرمستقیم داشت. نباید هنرجوی جوان را وادار کرد که از همان جلسه اول، دقیقاً یک مدل سخت را کپی کند. این کار خلاقیت را سرکوب می‌کند. آموزش درست، یعنی ایجاد محیطی که در آن نوجوان خودش کشف کند.

● آموزش نرم؛ از طبیعت تا بوم نقاشی

نویسنده کتاب «رازهای نور و سایه در هنر» درباره روش آموزش به نوجوانان معتقد است: باید رویکردی غیرمستقیم داشت. نباید هنرجوی جوان را وادار کرد که از همان جلسه اول، دقیقاً یک مدل سخت را کپی کند. این کار خلاقیت را سرکوب می‌کند. آموزش درست، یعنی ایجاد محیطی که در آن نوجوان خودش کشف کند. او پیشنهاد می‌دهد که مربیان، نوجوانان را به مشاهده طبیعت و محیط اطراف تشویق کنند. بچه‌ها را باید با زیبایی‌های محیط آشنا کرد؛ به آن‌ها یاد بدهیم سایه درختان روی چمن را ببینند، بافت‌ورنگ هم‌هستند که نقاشی را می‌سازند. اما در نهایت، آنچه یک اثر را از یک تمرین معمولی متمایز می‌کند، خلاقیت و جست‌وجگری هنرمند است. او خلاقیت را فراتر از مهارت فنی می‌بیند، خلاقیت یعنی ترسیدن از سؤال کردن است. مثلاً وقتی روی بوم کار

جست وجوی خلاقانه در عناصر نقاشی اگرچه نور و سایه نقطه شروع جذابی هستند، اما مجتهد سیستانی تأکید می‌کند که نقاشی در این دو محدود نمی‌ماند. عناصر مهم دیگری مانند فرم، ترکیب بندی، بافت و رنگ هم هستند که نقاشی را می‌سازند. اما در نهایت، آنچه یک اثر را از

جست وجوی خلاقانه در عناصر نقاشی اگرچه نور و سایه نقطه شروع جذابی هستند، اما مجتهد سیستانی تأکید می‌کند که نقاشی در این دو محدود نمی‌ماند. عناصر مهم دیگری مانند فرم، ترکیب بندی، بافت و رنگ هم هستند که نقاشی را می‌سازند. اما در نهایت، آنچه یک اثر را از

بررسی تجربه‌های محمد مهدی خالقی از ساخت مستندهای بحران در نشست «عصر سینما»

مستند بحران؛ گونه‌ای فراتر از قواعد کلاسیک سینما



زیاد مصاحبه کرده‌اند و با دوربین راحت هستند. مصاحبه به صورت مداوم انجام شود.

● مشهد و مسئله حمایت از مستند

این هنرمند در پایان با اشاره به وضعیت مستندسازی در مشهد بیان کرد: در دهه ۸۰ که فعالیت‌مان را شروع کردیم، نمی‌دانستیم برای مستندسازی باید چه کاری انجام دهیم. هیچ متولی، کلاس و استادی نبود یا به آن‌ها دسترسی نداشتیم. صرفاً سر موضوع گفت: شاید در یک فیلم و تماشای مستند، به تدریج راه خود را پیدا کردیم. اکنون وضعیت بهتر و سال‌هاست که به همت گروه‌های مختلف جلسات نمایش و تحلیل مستند ادامه دارد. به لحاظ حاکمیتی و ساختاری، مستند همچنان در مشهد متولی ندارد؛ اما گروه‌هایی چون انجمن سینمای جوانان به حمایت از تولید مستند اقدام می‌کنند.

«بحران» را به عنوان یک گونه مستقل به رسمیت نمی‌شناسند، اما به زعم من حتماً می‌تواند یک گونه باشد. به‌باور او، گویی‌های هوشمند دنیای خبرنگاری و مستند بحران را تغییر داده‌است؛ برخی‌راش‌ها که به‌وسیله آن‌ها شکار می‌شود در حالت عادی یا از دست می‌رود یا بسیار استثنایی ضبط می‌شود. خالقی معتقد است، بداعت در مستند بسیار مهم‌تر از حجم یا نباشت اطلاعات است. او در توضیح این موضوع گفت: شاید در یک فیلم مستند، صرفاً سر تکان دادن یا یک قطره اشک مصاحبه‌شونده، ارزش بیشتری از صحبت‌های او داشته باشد. اگر مصاحبه‌شونده اصراری به داشتن سؤالات نکرد، نباید این کار را انجام داد. ممکن است چیزی به نام فیلم‌نامه وجود از او سؤالاتی پرسند که از قبل در اختیارش نگذاشته باشند. اطلاعاتی به ذهنش نیاید که بیان کند. به‌طور کلی بهتر است با افرادی که

هرچه اصرار کردیم که با تصویربرداری به‌انجابریم، اجازه ندادند. به همین دلیل تنها به آنجا رفتم. این اثر شامل مصاحبه‌های خاص و متفاوت و تصویری از مناطق جنگی است، که برای اولین بار در آن از آرشیوهای ارزشمندی استفاده شد. موضوع اثر نیز تاریخچه نبرد‌های سوریه و اسرائیل است. در مستند «خانه مستضعفین» نیز تنها بودم؛ آن زمان، گروهی می‌خواستند به صورت کاروان به تونس بروند و به من گفتند فقط یک نفر می‌تواند با ما بیاید. این کارگردان در بخش دیگری از صحبت‌های خود بیان کرد: در گونه‌های دیگر مستند می‌توانیم فیلم‌نامه کلاسیک بنویسیم و آن را بازنویسی کنیم، اما در مستند «بحران» ممکن است چیزی به نام فیلم‌نامه وجود نداشته باشد. شاید فقط طرح، یادداشت‌های شخصی یا یکسری مکان جغرافیایی باشد. در تقسیم‌بندی‌های کلاسیک سینمایی، مستند

اخبار
هنری
مشهد

برگزاری نشست «عکاسی به مثابه متن» در مؤسسه شکوه شاهنامه



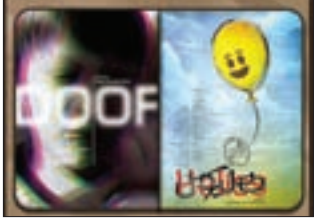
اولین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی عکاسی «هنوز» با عنوان «عکاسی به مثابه متن» پنجشنبه ۲۳ مهرماه ساعت ۱۶ در مؤسسه شکوه شاهنامه برگزار می‌شود. در این نشست دکتر پژمان دادخواه با تعامل با دو محور «نظریه» و «عکس» به مرور آثار مهرداد افسری و سروش میلانی‌زاده می‌پردازد. کیارنگ علایی دبیر علمی این نشست و فاطمه انتظاری مدیر برنامه آن است.

«ضد انسان» روی صحنه تئاتر مشهد



نمایش «ضد انسان» به نویسندگی و کارگردانی الیاس صادق‌زاده در روز ۲۳ مهر ساعت ۱۷:۳۰ و ۲۴ مهرماه ساعت ۲۰ در سالن ثابت فردوسی روی صحنه می‌رود. سی‌اوش خیرابی و نداقاسمی‌از بازیگران مطرح تلویزیون در این نمایش بازی می‌کنند.

فیلم کوتاه «هلیوس و فیلم دووف» نقد می‌شود



فیلم کوتاه «هلیوس و فیلم دووف» در دهمین باتوق فیلم فیلم‌طهرانی امروز ۲۲ مهرماه ساعت ۱۸:۳۰ اکران می‌شود. بعد از نمایش فیلم دکتر سید محمد مداح حسینی منتقد، سارا طالبیان نویسنده و کارگردان و مجید صداقت برچی نویسنده و کارگردان به تحلیل و نقد و بررسی آن خواهند پرداخت.

نقد
روز

خوانشی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از نمایش «تاکسیدرمی» حیوانات؛ قربانیان نادیده جنگ



دکتر مسعود تقی‌آبادی؛ جنگ را معمولاً از زبان کسانی می‌شنویم که در مرکز تاریخ ایستاده‌اند؛ فرماندهان، سربازان، قهرمانان و بازماندگانی که خاطراتشان به بخشی از حافظه عمومی تبدیل شده است. نمایش «تاکسیدرمی»، نوشته رسول حق‌جو، به کارگردانی آرمین ترابی و ایمان رمضانی که این روزها در مشهد روی صحنه رفته است، با انتخاب زاویه‌ای متفاوت به سراغ شخصیت‌هایی می‌رود که در روایت‌های متعارف جنگ کمتر دیده می‌شوند. چهار داستان از زندگی حیوانات در بستر جنگ ایران و عراق، گرسنگی، ترس، مرگ و فقدان را با طنز و فانتزی درهم می‌آمیزد. حیوانات در این نمایش فقط جایگزین انسان‌ها نیستند؛ ویژگی‌ها و روابطشان داستان را پیش می‌برند و لایه‌هایی از جنگ را آشکار می‌کنند که در روایت‌های اشتنا‌تر کمتر مجال ظهور دارند. حیوانات در این نمایش از حاشیه به مرکز داستان می‌آیند و جنگ را از چشم‌انداز تجربه‌های ملموس خود پیش می‌برند. کیوتر، گربه، الاغ، وزغ، کرم، خرچنگ، حلزون و ماهی هر کدام با نیازها، ترس‌ها و روابط خاص خود وارد موقعیت‌هایی می‌شوند که پیامدهای جنگ را در مقیاسی کوچک و روزمره نشان می‌دهد. این شخصیت‌ها به‌نمایشاگر اجازه می‌دهند ا فاصله‌ای متفاوت به جنگ بنگرد؛ فاصله‌ای که گاه امکان دیدن تناقض‌های زندگی انسانی را بیشتر می‌کند. «تاکسیدرمی» با جان بخشیدن به شخصیت‌های حیوانی، بدن، گرسنگی، ترس و نیاز به بقا را دوباره به مرکز روایت می‌آورد.

در داستان کیوتر و گربه، شکاف میان آرمان‌های بزرگ و نیازهای ابتدایی زندگی به شکلی تلخ و کمیک آشکار می‌شود. کیوتر در خرمشهر محاصره‌شده چشم انتظار آزادی است و برای خود نقشی نمادین و حماسی تصور می‌کند؛ گربه اما برای بقا به غذا نیاز دارد. سرانجام کیوتر پیش از آنکه فرصت پرواز پیدا کند، خوراک گربه می‌شود. طنز تلخ موقعیت از برخورد دو منطق شکل می‌گیرد؛ میل به معنا و نمادپردازی در برابر ضرورت زیستی. کیوتر می‌خواهد در روایتی بزرگ جایگاهی پیدا کند، اما سرنوشت جسمانی‌اش مجال تحقق آن تصویر را نمی‌دهد. از منظر روان‌شناختی، این تقابل نشان می‌دهد که معنایی که موجودات برای زندگی خود می‌سازند، همواره در برابر واقعیت‌های خارج از اراده‌شان آسیب‌پذیر است. رابطه الاغ پدر و کره الاغش، سویه دیگری از جنگ را آشکار می‌کند؛ جهانی که در آن حیوانات برای حمل بار و مجروحان به کار گرفته می‌شوند و مأموریت فرصت چندانی برای آسودگی باقی‌نمی‌گذارد. پدر خواب می‌بیند فرزندش هنگام عملیات با گلوله کشته می‌شود و از رفتن او به مأموریت می‌ترسد. این خواب را می‌توان بازتاب اضطرابی دانست که در بیداری مجال آرام گرفتن ندارد. ذهن گاهی در مواجهه با تهدید، بدترین احتمال را پیشایشش تصویر می‌کند، بی‌آنکه بتواند از شدت ترس بکاهد. جنگ به این ترتیب، حتی پیش از وقوع فقدان، در قالب انتظار فاجعه وارد زندگی می‌شود. برخورد وظیفه‌به عاطفه پدرانه نیز پرسشی انسانی پیش می‌کشد: در ساختاری مبتنی بر مأموریت و ضرورت، چه جایی برای ترس، دل‌بستگی و میل به محافظت از دیگری باقی می‌ماند؟

در داستان وزغ‌ها و تخم‌هایشان، جنگ به روابط همسایگی و اعتماد نفوذ می‌کند. تخم‌ها نشانه تداوم نسل و امکان زندگی آینده‌اند، اما به‌موضوع اختلاف و سوءظن تبدیل می‌شوند. رابطه‌ای که می‌توانست بر هم زیستی استوار باشد، زیر فشار نگرانی و حفظ منافع شخصی به نزاع کشیده می‌شود. از منظر روان‌شناختی، ناامنی می‌تواند رفتار دیگران را تهدیدآمیز جلوه دهد و زمینه‌بدگمانی و نسبت دادن مسئولیت مشکلات به دیگری را فراهم کند. در این روایت، آثار جنگ به لحظات آشکار خشونت محدود نمی‌ماند؛ اعتماد و امکان ساختن آینده‌ای مشترک نیز آسیب می‌بیند. داستان کرم، خرچنگ، حلزون و ماهی کوچک، با طنز کلامی و تفاوت‌های شخصیتی، مسیر دیگری برای مواجهه با جنگ می‌سازد. کرم با تکیه‌کلام‌ها و رفتارهای خاص خود به نمایش تحرک می‌بخشد و خرچنگ می‌کوشد حقیقت را آشکار کند. در این میان، ماهی کوچکی که به دنبال پدرش می‌گردد، به تدریج با واقعیت مرگ روبه‌رو می‌شود. تصویر بهشت ماهی‌ها، با نوه‌های ستاره‌های دریایی و وعده آرامشی دور از خشونت، جهانی خیالی می‌سازد که تحمل فقدان را آسان‌تر می‌کند. از منظر روان‌شناختی، پناه بردن به تصویرها و روایت‌های تسلی‌بخش می‌تواند به مواجهه تدریجی با سوگ کمک کند. هرچند جای خالی فرد از دست‌رفته را پر نمی‌کند. جست‌وجوی کودکان ماهی برای یافتن پدر، با قطعیت مرگ سازگار نمی‌شود و همین فاصله، اندوه این روایت را شکل می‌دهد. طنز در «تاکسیدرمی»، نیز راهی برای نزدیک شدن به تجربه‌های دردناک است. تغییر ناگهانی فضای شوخ طبعانه به موقعیتی غم‌بار، تماشاگر را وادار می‌کند برداشت اولیه‌اش را بازنگری کند. «تاکسیدرمی» با سپردن روایت به این شخصیت‌ها، امکان دیگری برای دیدن جنگ فراهم می‌کند. حیوانات از طریق تجربه‌های خاص خود، رنج‌ها و دل‌بستگی‌هایی را آشکار می‌کنند که در روایت‌های بزرگ‌تر ممکن است نادیده‌مانند. حاصل، تصویری از جنگ است که تاریخ را به زندگی روزمره نزدیک می‌کند؛ زندگی‌هایی که شاید در حافظه رسمی ثبت نشوند، اما تجربه‌شان از بقا، عشق، مرگ و فقدان همچنان بخشی از حقیقت جنگ است.